

مهدی (علیه السلام)، ده انقلاب در یک انقلاب

کارنامه همه ایدئولوژی‌های بشری در عصر حاضر و در طول تاریخ دارای نقاط سیاه بسیاری است. بسیاری از آنها به یک نکته صحیح توجه کردند و نکات مهمتر را نادیده گرفتند. همه این ایدئولوژی‌ها "خود مرکز بین" بودند. بدین معنی که خود را در هسته و دیگران را (بقیه بشریت) را حلقه اطراف می‌بینند و از همه مهمتر حرف‌های بزرگ زدند ولی رفتار پستی از خود به نمایش گذاشتند.

یعنی از نظر تئوری، نیکویی را ترویج دادند و در بعد عمل بسیار ضعیف ظاهر شدند. بشریت از حیث انسانی و در ابعاد حقوقی نسبت به چند قرن قبل، نسبت به دوران قرون وسطی، تقریباً جلو نیامده است و اکنون دیگر از همه ایدئولوژی‌های مادی اظهار خستگی، نفرت و کسالت می‌شود. آخرین جمع‌بندی مغرب زمین این است که تمام ایدئولوژی‌ها امتحان خود را پس داده‌اند و ما دیگر احتیاج به ایدئولوژی نداریم، هرچه در این مدت فریب خوردیم کافی است و انقلابی در ابعاد جهانی نمی‌تواند وجود خارجی داشته باشد. اما درست در این نقطه بن‌بست و در این زمانی که افراد احساس خلاء شدید می‌کنند، یک انقلاب واقعاً کبیر از راه خواهد رسید که جهان را

یک جا در خواهد نوردید. مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از راه خواهد رسید و دست همه بشریت را "برای متحول کردن موقعیت انسانی" خواهد فشرد.

شرق و غرب عالم خانه مهدی است، اگرچه پیام او از حیث مضمون، نه شرقی و نه غربی، ولی از حیث مخاطب به هر دو پهنه توجه دارد. او مادری رومی و مسیحی داشت که در جنگی اسیر شد و خود اسلام و شرافت را برگزید. او از نظر نژاد از دو نژاد مختلف است و مساله قیام او یک تحول انسانی - بشری است، نه یک مساله نژادی و عربی. مادر او و مادر تعداد دیگری از امامان شیعه (علیهم السلام) از نظر طبقه‌بندی‌های ظاهری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جزء طبقات پائین بوده‌اند و عظمت این مساله مشخص می‌شود که معیارهای غلط اجتماعی در این نهضت جهانی، دخیل نیستند.

در این مجال سعی بر بیان، بعضی از شاخصه‌های انسانی جامعه مهدوی (عج) که ایشان بنا خواهند کرد رفته است، هرچند در حد اشاره باشد. حکومت مهدی (عج)، حکومت دینی و جهانی است و در عین حال حکومت کلیشه‌ها نیست، بدین معنا که جهان مملو از آدمهای یکنواختی باشد که همه مثل ماشین یک جور حرف می‌زنند و یک جور عمل می‌کنند. در آن زمان، همه هم‌شکل و هم سلیقه نیستند، البته روابط

انسانی براساس مناسبات و معیارهای الهی تنظیم می‌شود و همه حقوق و حدود را می‌شناسند ولی یکنواخت نیستند. انسانهای با فضیلت و تربیت‌شده‌ای هستند که هم، حق را می‌شناسند و هم تکلیف را و علی‌رغم تفاوت با یکدیگر، متناسب و متعادلند. اختلاف نظر در جامعه مهدوی وجود ندارد چون همه واقعیت را وجدان می‌کنند.

مفهوم اطاعت‌پذیری از امام در جامعه مهدی (عج) مطلقاً به معنی تعطیل کردن عقل فردی، درک و تشخیص و احساس مردم و ماشینی شدن، جامعه نیست. این اطاعت در رهبری انقلاب جهانی، ضامن اجرایی حقوق و ضامن تعالی شخصیتی آحاد شهروندان آن جامعه جهانی است.

همه تأکیدها در انقلاب جهانی ایشان بر "حقوق مردم" است و پرچم اصلی انقلاب، پرچم "عدالت" است. در روایات آمده است که کار اصلی مهدی (عج)، رساندن مردم به حقوق مادی و معنویشان است. یعنی شعار اصلی ایشان "عدالت" است و جوامع بشری را بعد از آنکه مملو از ظلم و جور شده باشد از عدالت آکنده خواهند کرد و حقوق انسانها، احقاق می‌شود. هدف اصلی و فلسفه نهضت تربیتی ایشان، نجات مردم، احقاق حقوق بشریت و رفع تبعیض‌های نژادی و ... است.

قدرت او سرتاسر، شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و هیچ سرزمینی خارج از این حکومت قرار نمی‌گیرد. سؤالی که این جا مطرح می‌شود این است که: "آیا این فتوحات از نوع فتوحاتی است که قیصرها و فرعونها در طول تاریخ بدنبال آن بوده‌اند؟"

جواب این سوال را حضرت امیر (علیه السلام) به این صورت داده‌اند که: "مهدی (عج) می‌آید تا تمام بردگان را در سراسر زمین آزاد کند. این فکر که برده‌داری در دنیای امروز امری منسوخ است، صحیح نیست، زیرا اگرچه برده‌داری به شکل صریح و سنتی در عصر ما کمیاب است (هرچند که وجود دارد) ولی امروزه برده‌ها را با روش‌های پیچیده و مدرن می‌فروشند، اکثریت بشر، بردگانی هستند در دست برده‌دارانی که با شیوه‌های جدید برده‌داری می‌کنند و ملت‌ها و نسل‌ها را خرید و فروش می‌کنند. حال روشن است که چرا حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: "مهدی برده‌ای را روی زمین نخواهد گذاشت مگر آنکه آزادش خواهد کرد." برده‌های اقتصادی و برده‌های سیاسی و برده‌های گوناگون.

مهدی (عج)، هیچ بدهکاری را در دنیا باقی نخواهد گذاشت مگر آنکه قرض او را ادا کند. هیچ ظمی را باقی نخواهد گذاشت مگر آنکه از ایشان رد مظالم کند و آن ستمها را جبران کند. سرنوشت و حقوق همه مردم برای ایشان مهم است.

انقلاب و اصلاح او آنقدر انسانی است که مهدی هیچ بی‌گناهی را نمی‌کشد حتی اگر در سپاه دشمن باشد. انقلاب او، انقلابی قاطع است، با هیچ ستمگری سر سازش ندارد ولی انقلابی کاملاً انسانی است و یک شورش کور که مردم را تنها یک آلت دست می‌بیند و چشمش فقط به پیروزی و قدرت خیره است، نمی‌باشد.

"انسان" و حتی یک انسان نیز برای او مهم است. کوچکترین ذره حق برای او مهم است. او می‌گوید هیچ کاری واجب‌تر از احقاق حق ولو کوچکترین حق برای عادی‌ترین فرد، نیست. انقلاب او در واقع انقلاب مردم است و با رهبری صالح و تمام عیار صورت می‌گیرد.

مهدی (عج) دو چهره دارد. چون دو مخاطب دارد. چهره اولی، چهره‌ای است که مهدی (عج) با توده‌های مردم با همه بشریت و با انسان‌های مظلوم و محروم دارد، او آن چنان با ایشان متواضع و مهربان است که گویی با دست خود غسل (عین لفظ روایت) در دهان محرومان جهان می‌نهد و چهره دوم که در برابر مافیای ستم جهانی

بروز می‌کند؛ با آنها جز با زبان سلاح و از تیغ شمشیر سخن نخواهد گفت و حتی از آنها توبه هم نخواهد پذیرفت. زیرا دیگر دوران موعظه و توبه آنها پایان یافته، به اندازه کافی، هزاران سال از آنها خواسته شده است که توبه کنند. وقت عمل به وعده‌هایی است که همه انبیاء (علیهم السلام) قبلاً داده‌اند.

بر طبق روایات ما در رستاخیز مهدی هرچه هست، صلح و دوستی، برادری و رحمت و یگانگی است. مهدی می‌جنگد، اما جنگ برای صلح، زیرا می‌داند که نمی‌شود به این جنگ‌ها پایان داد، مگر با جنگی که همه این جنگ‌ها را یکسره کند، او برای صلحی توأم با عدالت می‌جنگد.

شعار جامعه مهدوی، "محبت" است و در جامعه‌ای که مهدی (عج) می‌سازد، مردم به یکدیگر خدمت می‌کنند، بی‌آنکه نیرنگی در کار باشد. هر جا به محض آنکه جرمی صورت گیرد، حد خدا جاری می‌شود و هیچ تبعیضی پذیرفته نخواهد بود.

روش ایشان در حکومت این است که با کارگزاران حکومت اسلامی و جهانی، بسیار سخت‌گیر و با مردم، بویژه مستمندان بسیار مهربان است. با مردم، آسان، برادرانه و متواضعانه برخورد می‌کند. حق همه حقداران را می‌ستاند، آرمانهای همه انبیاء را تحقق می‌بخشد.

حرکت او در واقع یک انقلاب نیست، بلکه چندین انقلاب در دل یک انقلاب جاگرفته است. انقلاب مهدی (عج) از همه جهات یک استثناء در تاریخ بشر است و تنها یک انقلاب سیاسی نیست، بلکه تحولی همه جانبه و عمیق در همه ابعاد مادی و معنوی زندگی بشر است، در این مقاله به چندین بعد این انقلاب جهانی می‌پردازیم:

انقلاب در حقوق زن و ارتقای عقلانیت و حقوق علمی

ایشان ۳۱۳ تن را بر می‌گزیند که در واقع کادر اصلی انقلاب جهان و مدیران اصلی حکومت ایشان هستند. در روایت است که ۵۰ تن از آنان زن هستند، اینان در عالی‌ترین سطوح مدیریت جهانی به فعالیت می‌پردازند. پس نقش زنان را در این انقلاب بوضوح می‌توان حس کرد.

مهدی کاری خواهد کرد که زن بدون اینکه دست از عفت خود بکشد، به عزت برسد. پس ۳ انقلاب بزرگ عقلانی و انقلاب حقوقی (حقوق زن و ...) و انقلاب علمی را در نهضت مهدوی مشاهده می‌کنیم.

انقلاب اقتصادی

در این زمان (زمان ظهور) یک انقلاب اقتصادی و فن‌آورانه رخ می‌دهد. سراسر زمین برای او در نور دیده می‌شود، آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین است در زمان ایشان به نفع بشریت محروم به فعل می‌رسد. زمین محصول بسیاری می‌دهد و هیچ خرابه‌ای در زمین نمی‌ماند مگر آنکه در حکومت مهدی (عج) آباد شود، اینطور نیست که در بخشی از دنیا اقلیتی سیر و اکثریتی گرسنه و مفلوک وجود داشته باشد. در زمان او هیچ جای جهان نیست که پا بگذارد مگر آنکه سرسبز است و همه دنیا آباد است، زمین گیاهان بسیار رویاند. آب نهرها فراوان شود. در این عصر تنعم

و وفور نعمت، البته با رعایت عدل و اعتدال و نه توأم با اسراف و تبذیر و ستم، فراگیر می‌شود.

انقلاب در روابط انسانی

انقلاب دیگر، انقلابی است که در روابط انسانی و مناسبات بین افراد صورت می‌گیرد. روابط صمیمانه و انسانی، آنچنان پیشرفت می‌کند که اگر کسی احتیاج پیدا کند از دارایی‌های دیگری به مقدار نیاز بر می‌دارد، بطوریکه آن دیگری ناراحت نمی‌شود. در آن روز همه چیز مال همه است. توطئه دیگر معنی ندارد، همه به فکر یکدیگرند و برادری خارج از الفاظ، معنی پیدا خواهد کرد. انقلاب او اگرچه انقلاب بزرگ و خونینی است، اما هرگز بدنبال کینه‌توزی نیست؛ بلکه یکی از بزرگترین آرمانهایش کینه‌شویی است.

انقلاب بر ضد تبعیض

در آن زمان یا همه با هم سیر می‌شوند و یا اگر به قدر کافی نیست، همه با هم گرسنگی می‌کشند. وقتی مهدی (عج) بیاید اموال را به طرز صحیح تقسیم می‌کند و بر طبق روایت، یکسان به همه بشریت. اموال را چنان تقسیم می‌کند که در همه دنیا یک گرسنه و محتاج پیدا نمی‌شود، امروزه حتی در مرفه‌ترین جوامع دنیا (علیرغم اینکه آن رفاه هم در نتیجه ظلم و فاصله‌های طبقاتی جهانی بوجود آمده است) در عین حال هزاران شهروند از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم هستند. در جهان امروز فاصله طبقاتی به معنای دقیق کلمه وجود دارد. اما در آن عصر، این رفاه بدون تبعیض در همه جا جریان خواهد یافت.

انقلاب اجتماعی

در عین حال همه بشریت مرفه خواهند شد، روح سودپرستی و خودمحوری نیز برانداخته خواهد شد. در آن جامعه همه به هم خدمت می‌کنند. این ابعاد اجتماعی، اگرچه با شکوه هستند در عین حال واقع‌بینانه نیز هستند. البته تکامل در این حد به دست امثال بشر امروزی شدنی نیست. اما اولاً این تکامل آرمان اسلامی است و ثانیاً عملی خواهد شد.

انقلاب امنیتی

بعد دیگر در نهضت جهانی مهدوی (عج) یک انقلاب امنیتی است. برحسب روایات در دوران مهدی (عج) یک دختر جوان (که مثلاً در برابر خشونت و تهاجم، آسیب‌پذیر است) به تنهایی از گوشه‌ای به گوشه دیگر دنیا سفر می‌کند، بی‌آنکه تهدیدی علیه امنیت او وجود داشته باشد و در آن زمان مردم به تدریج واژه "ترس" را از یاد می‌برند!

انقلاب عمرانی

از منظر عمرانی دنیا به دست او زنده و آباد خواهد شد، صفا و شادابی بر همه جوامع بشری حکومت خواهد کرد، اما شادی از نوع شادی انسانی، شادی که نه به قیمت آزار دیگران و پایمال کردن حقوق بدست آید.

انقلاب بر ضد جهل

انقلابی بزرگ در درک دین صورت می‌گیرد، شناخت دین در عصر مهدی (عج) اوج می‌گیرد و متحول می‌شود. براساس روایت، وقتی که حضرتش قیام کند، متأسفانه کسانی در جهان اسلام در برابر او می‌ایستند و علیه ایشان به قرآن! استدلال می‌کنند؛ اینان کسانی هستند که نه حقیقت دین را بدرستی می‌شناسند و نه خدمتی به معارف دین می‌کنند. کوچکترین سختی در راه دین نمی‌کشند، اما سود مادی از دین می‌برند. روایتی متذکر می‌شود که انقلاب علیه جهل و قشری‌گری و انقلاب علیه بدعت‌ها و شبهات هر دو به دست ایشان صورت می‌گیرد. جهل به جنگ او خواهد آمد و او دین خدا را همانگونه که نازل شده به مردم می‌آموزد و تفسیرهای غلط از دین را برخواهد انداخت.

انقلاب فرهنگی

انقلاب عظیم فرهنگی نیز در دوران مهدی (عج) و به دست ایشان اتفاق خواهد افتاد، طبق روایت، همه معارفی که اکنون نزد بشر است، در برابر معارفی که مهدی (عج) خواهد آورد، تنها ۲ حرف از ۲۷ حرف است، این بدین معنی است که بشر امروز با همه پیشرفت‌هایش هنوز کم سواد محسوب می‌شود.

در پایان این بخش پاره‌ای از خصوصیات اصحاب و یاران مهدی (عج) را که در روایات اسلامی آمده است، ذکر می‌کنیم:

اگر افکار عمومی دنیا را نسبت به قرون ۱۶ و ۱۷ مقایسه کنیم، واقعاً جهان کنونی براساس خودآگاهی عام انسانی و اسلامی در اثر ارتباطات نزدیک و به دلائل دیگر، در حال نزدیک شدن به نوعی اجماع است، آمادگی خاصی پدید می‌آید که همه دنیا یکصدای یک چیز را بگویند، همه دنیا یک برداشت را انجام دهند و همه دنیا در برابر یک مسأله، یک واکنش واحد نشان دهند. شاید همین ارتباطات و اتفاق‌هایی که در دنیا

افتاد، زمینه‌ای برای جهانی شدن (گلوبالیزیشن) (منتها از نوع مهدوی‌اش نه از نوع سرمایه‌داری غرب) را بوجود آورده است.

اصحاب ایشان ابتدا ۳۱۳ نفر از نژادهای گوناگون هستند، این ۳۱۳ نفر کادر اصلی نهضت جهانی هستند که طبق روایات به سرعت گسترش می‌یابند و در مرحله دوم پس از ستاد مرکزی، در ستاد عملیاتی نهضت جهانی، ده‌هزار نیرو قرار می‌گیرد که حلقه بعد از آن ۳۱۳ نفر همین ده هزار نفرند و حلقه بعد هم قیام عالمگیر است، در روایت آمده که اغلب یاران مهدی (عج) جوان هستند. با جوانان می‌توان دنیا را تغییر داد. انقلاب مهدی، انقلاب جوانان است. در جای دیگر درباره اصحاب مهدی (عج) آمده است:

دل‌هایشان چون پاره‌های آهن محکم است و متزلزل نمی‌شود، نمی‌ترسند و قدرت را در سراسر جهان و بسرعت در دست می‌گیرند. آنان امتحان بزرگی را پشت سر می‌گذارند و برگزیدانشان ۳۱۳ تن هستند. بدلیل اینکه شرایط آنان پیچیده‌تر و مقاومت آنان سخت‌تر است. طبق روایتی چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ندیده‌اند و لیکن به راه حق ادامه می‌دهند، اجرشان از اجر یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیشتر است و یکی از حقایقی که در مورد این عنصر وجود دارد این است که

امور به آسانی اصلاح نمی‌شوند. بلکه صبر و تحمل و مجاهدت لازمه کار است و اصلاح جهان بادآورده، بدست نخواهد آمد. یاران مهدی (عج) مدت‌ها لباس رزم را از تن خارج نمی‌کنند و جز خوراک ساده نمی‌خورند تا عدالت را در جهان گسترش دهند و این عصر برای یارانش، آغاز مشکلات است و برای مردم آغاز راحتی. یعنی شروع سلسله‌ای از سختیها برای یاران مهدی (عج) به منظور رسیدن به عدالت جهانی. آنان باید ساده‌پوش و متواضع باشند و سطح زندگی‌شان از همه مردم پایین‌تر باشد. رفاه و ثروتی که در حکومت مهدوی (عج) فراهم می‌آید متعلق به مردم است. مال، مخصوص حاکمان نیست و مهدی ما در ستاد حکومتش بسیار ساده زندگی خواهد کرد.

مهدی با هیچ قوم و قبیله‌ای تعارف ندارد و عدالت را بطور کامل اجرا می‌کند. وقتی قیام می‌کند در حالیست که بیعت هیچ یک از طاغوت‌های جهان را برگردن ندارد؛ یعنی با هیچ سیستم حاکمیتی از قبل تعهد نداده است.

آخرین قسمت مقاله اختصاص دارد به مفاد پیمان‌نامه‌ای که میان مهدی (عج) و یارانش بسته می‌شود و بسیار به شکوه انسانی و الهی قیام مهدی (عج) جلوه

می‌دهد، تا ببینید اوج قاطعیت و انسان‌گرایی، توامان در آن است. لازم به تذکر است که این مفاد از احادیث معتبر شیعه برداشت شده است:

مهدی از یارانش پیمان خواهد گرفت که در آن انقلاب جهانی به کسی دشنام ندهند. حریمی را هتک نکنند و به هیچ خانه‌ای بدون اجازه هجوم نبرند. معمولاً در انقلاب‌ها و کودتاها، اهانت و تهاجم بی‌حساب مرسوم است و در انقلاب‌ها ترحم جایی ندارد، اما انقلاب مهدی (عج) متفاوت از تمام سیستم‌های بشری است.

مهدی همچنین از یارانش عهدی می‌گیرد که: طلا و نقره را برای خود گنج نکنند و مسؤولان انقلاب دینی آخرالزمان، اموال خصوصی و ... برای خود گردآوری نکنند. از آنان پیمان می‌گیرد که مال یتیم و انسان بی‌پناه را نخورند، یعنی به آنان گوشزد می‌کند با تمام قدرتی که دارید مبادا دست درازی بر دارایی‌های انسان‌های بی‌پناه بکنید.

از آنان پیمان می‌گیرد که لباسهای فاخر و گران‌قیمت نپوشند، لباس‌های متمایز از مردم نپوشند و با اخلاق شاهانه حکومت نکنند؛ در راه خدا با تمام توان و امکانات خود جهاد کنند و چنانچه شایسته آستان خداوند است، خودشان سخت زندگی کنند،

اما همه بشریت در رفاه باشد. یعنی انقلابیون پس از اقتدار و پیروزی فاسد نمی‌شوند و دستاوردهای انقلاب برباد فنا نمی‌رود. این انقلاب، یک انقلاب فراموشکار نیست و انسان‌ها و توده مردم را فراموش نمی‌کند. مردمی آغاز می‌شود و مردمی ادامه پیدا می‌کند.

مهدی (عج) متقابلاً خود نیز تعهداتی می‌کند که: همانگونه رفتار کند و همانگونه رفت آمد کند که اصحابش تعهد کرده‌اند.

از همان راهی و به همان سبکی رفت و آمد کند که آنان می‌کنند، آن چنان لباس بپوشند که آنان می‌پوشند. اخلاق مخصوص حاکمان و فرهنگ مخصوص حاکمان جدا از اخلاق و راه بقیه مردم در فرهنگ اسلام نیست. خلاصه مهدی (عج) آنگونه است که اصحابش می‌باشند و مانند آن چه آنان تعهد کرده‌اند، او تعهد می‌کند. همچنین پس از انقلاب، خود در پایین‌ترین سطح زندگی می‌کند. به اندک بسنده می‌کند، او همچنین تعهد می‌کند: هیچ حجابی و بارگاہی و فاصله‌ای با مردم نخواهد داشت.

یعنی پایین‌ترین سطح زندگی برای رهبری جهانی و این هم جزء میثاق مهدی است که میان حاکمیت جهانی با انقلاب توده‌های مردم هیچ فاصله‌ای نخواهد افتاد، و حق این

فرج بزرگ برای بشریت است و باید منتظر آمدنش باشند و باید همه بشریت دست به

دعا بردارند.

* برداشت آزاد از کتابی به همین نام از دکتر رحیم پور ازغدی